

## واکاوی ساختاری اطاله دادرسی در ایران؛ با نگاهی به نظام‌های قضایی فرانسه و آلمان

✉ reza.rohbakhsh.law@gmail.com

رضا روح‌بخش اظهاری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حسن یوسفی

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

**چکیده:** اطاله دادرسی یکی از چالش‌های ساختاری و مزمن نظام قضایی ایران است که فراتر از تأخیر زمانی در رسیدگی، بیانگر کاستی‌های نهادی، مدیریتی و درون‌تشکیلاتی در فرآیند دادرسی محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر اطاله دادرسی در ایران و ارائه راهکارهای اصلاحی مبتنی بر تجارب تطبیقی، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. در این چارچوب، ضمن واکاوی رویه‌ها و مقررات داخلی، نظام‌های قضایی فرانسه و آلمان به‌عنوان الگوهای موفق در مدیریت زمان دادرسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر ضعف در نظام ارجاع پرونده، ناکارآمدی فرآیند کارشناسی، فقدان نظارت مؤثر بر زمان رسیدگی، ناهماهنگی در اجرای نیابت‌های قضایی و بی‌نظمی در امور اداری و بایگانی، سهمی تعیین‌کننده در تداوم اطاله دادرسی در ایران دارند. تحلیل تطبیقی حاکی از آن است که ابزارهایی مانند دیجیتال‌سازی فرایندها، تخصص‌گرایی قضایی، ارزیابی عملکرد محور شعب و نهادسازی نظارتی مستقل، نقش مؤثری در مهار اطاله دادرسی ایفا کرده‌اند. نوآوری مقاله حاضر، طراحی یک چارچوب اصلاحی چندلایه در سه سطح تقنینی، نهادی و مدیریتی است که با لحاظ اقتضانات حقوقی و اجرایی ایران، قابلیت بهره‌برداری عملی در سیاست‌گذاری قضایی و بهبود کارآمدی رویه‌های دادرسی را داراست.

**واژگان کلیدی:** اطاله دادرسی، اصلاح ساختاری، نظام قضایی ایران، تحلیل تطبیقی، کارآمدی قضایی

**استناد:** روح‌بخش اظهاری، رضا؛ یوسفی، حسن. (۱۴۰۵). واکاوی ساختاری اطاله دادرسی در ایران؛ با

نگاهی به نظام‌های قضایی فرانسه و آلمان. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۵)، ۱۴۳-۱۶۷.

<https://doi.org/10.22034/ilvi.2026.2061408.1380>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



## مقدمه

اطاله دادرسی در نظام قضایی ایران، به‌عنوان یک مسئله ساختاری، پیامدهای گسترده‌ای در مشروعیت نهاد عدالت، فرسایش سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی به‌جا گذاشته است. در نظام‌های حقوقی، اطاله فراتر از تأخیر زمانی، نقض عملی اصل دسترسی مؤثر به عدالت و تضعیف تضمین‌های دادرسی منصفانه محسوب می‌شود.

علی‌رغم پژوهش‌های متعدد، تحلیل‌ها غالباً بر عوامل تقنینی، تراکم پرونده‌ها یا کمبود منابع انسانی متمرکز بوده‌اند و نقش ساختار درون‌سازمانی قوه قضاییه و فرآیندهای اداری در شکل‌گیری اطاله، کمتر به‌صورت منسجم و نظام‌مند بررسی شده است. این کاستی، در حالی رخ می‌دهد که ناکارآمدی در ارجاع پرونده، ضعف در نظام کارشناسی، ناهماهنگی میان شعب و خلأ در نظام‌های نظارتی، سهمی بنیادین در پدیده اطاله دارند.

در مقابل، تجربه کشورهایمانند فرانسه و آلمان نشان داده است که ابزارهایی همچون دیجیتال‌سازی دادرسی، ارزیابی عملکردمحور، نهادسازی نظارتی و قضاوت تخصصی، تأثیر چشمگیری در کاهش اطاله داشته‌اند. تحلیل تطبیقی این تجارب، در صورتی که با اقتضانات بومی نظام قضایی ایران تلفیق شود، می‌تواند به الگویی مؤثر برای بازطراحی ساختار دادرسی بینجامد.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که: کدام عوامل ساختاری و درون‌تشکیلاتی بیشترین نقش را در تداوم اطاله دادرسی در ایران ایفا می‌کنند و چه الگوهای اصلاحی با بهره‌گیری از تجارب تطبیقی قابل پیشنهاد است؟ فرضیه مقاله آن است که اطاله دادرسی در ایران بیش از آنکه متأثر از عوامل بیرونی باشد، ریشه در ضعف ساختارهای مدیریتی، ناکارآمدی نظام کارشناسی و فقدان سازوکارهای نظارتی مؤثر دارد. اگرچه عوامل بیرونی مانند ورودی بالای پرونده‌ها به دلیل چالش‌های اجتماعی - اقتصادی و آمارگرایی در عملکرد قضایی در اطاله دادرسی نقش دارند، این پژوهش به دلیل روش‌شناسی تطبیقی و تمرکز بر اصلاحات ساختاری، بر عوامل درون‌سازمانی قوه قضاییه متمرکز است.

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل تطبیقی است و با اتکاء به مستندات قانونی، رویه‌های قضایی و اسناد اجرایی، ضمن بررسی دقیق مفهوم اطاله، به تحلیل ریشه‌های درون‌سازمانی آن می‌پردازد. نوآوری اصلی مقاله، طراحی چارچوبی سه‌سطحی از راهکارهای تقنینی، نهادی و مدیریتی است که ضمن بهره‌گیری از تجارب موفق دو کشور فرانسه و آلمان، با ساختار حقوقی ایران سازگار است و قابلیت اجرا در فرآیند اصلاح قضایی را داراست.

### ۱. مفهوم‌شناسی اطلاع‌دادرسی و عوامل درون‌تشکیلاتی مؤثر در ساختار قوه قضائیه

اطلاع‌دادرسی، به‌عنوان یکی از چالش‌های ریشه‌ای نظام قضایی، نه‌فقط با طولانی شدن فرآیند رسیدگی، بلکه با تضعیف اقتدار حقوقی و کاستن از کارآمدی عدالت، جلوه‌ای از بحران در تحقق حاکمیت قانون محسوب می‌شود. تحلیل علمی این پدیده مستلزم تبیین دقیق مؤلفه‌های مفهومی آن، همراه با واکاوی علل ساختاری و مدیریتی است که در درون نهاد عدالت نقش‌آفرینی می‌کنند.

#### ۱-۱. مفهوم اطلاع‌دادرسی

«اطلاع‌دادرسی» مفهومی ترکیبی است که در ادبیات حقوقی، به تأخیر ناموجه، فرسایشی و بیش از حد متعارف در رسیدگی به دعاوی و صدور رأی نهایی اطلاق می‌شود؛ تأخیری که نه‌تنها اصل دسترسی مؤثر به عدالت را نقض می‌کند، بلکه تحقق اهداف بنیادین قضا مانند فصل خصومت، تأمین امنیت قضایی و بازگرداندن نظم اجتماعی را نیز مختل می‌سازد (شمس، ۱۳۹۰: ۲۴).

در نظام حقوقی ایران، اصطلاح «اطلاع‌دادرسی» به‌صراحت در متون قانونی تعریف نشده، اما مفاهیم پراکنده‌ای در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری به آن اشاره نموده است. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته: «قضات مکلفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد» (قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۷۹: ماده ۳). در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در موارد متعددی، ضرورت تسریع در انجام اقدامات قضایی مورد تأکید قرار گرفته است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲: مواد ۳، ۳۷۴). این مفهوم در اسناد حقوق بشری نیز بازتاب یافته است؛ از جمله در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که بر «دادرسی در مدت معقول» تأکید دارد. در تفسیر عملی آن، هر گاه تأخیر قضایی ناشی از پیچیدگی پرونده یا کثرت خواهان نباشد، بلکه متأثر از ضعف نهادی یا بی‌نظمی ساختاری باشد، «اطاله» محسوب می‌شود (12 : 2020 ، CEPEJ).

از دیدگاه دکترین، اطاله زمانی محقق می‌شود که سه عنصر اصلی وجود داشته باشد: طول غیرمتعارف رسیدگی، قصور نهادی در انجام وظایف، و آسیب به حقوق اصحاب دعوا (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۵۱؛ مهدوی، ۱۴۰۰: ۱۴۶). صرف طولانی بودن دادرسی، چنانچه موجه و مبتنی بر ماهیت دعوا باشد، مصداق اطاله تلقی نمی‌شود. اما وقتی تأخیر ناشی از ناکارآمدی در نظام مدیریت قضایی، ضعف نظارت یا اختلال رویه‌ای باشد، ویژگی «اطاله» بر آن صدق می‌کند.

در پژوهش حاضر، اطلاع‌دادرسی نه‌فقط پدیده‌ای شکلی، بلکه نمودی از ناکارآمدی ساختار قضایی است. تمرکز بر اختلال در مدیریت پرونده، ارجاع غیرتخصصی، ضعف در نظام کارشناسی، و نبود نظارت مؤثر بر زمان رسیدگی، به‌عنوان بستر اصلی تحقق اطاله، نقطه عزیمت تحلیل خواهد بود.

## ۲-۱. مفهوم عوامل درون تشکیلاتی قوه قضائیه

در تحلیل پدیده اطلاع دادرسی، تفکیک میان عوامل بیرونی (مانند بار سنگین پرونده‌ها، کمبود بودجه یا نارسایی تقنینی) و عوامل درون تشکیلاتی قوه قضائیه، از نظر روش‌شناسی ضروری است. مراد از عوامل درون ساختاری، مجموعه‌ای از نارسایی‌ها، ضعف‌ها و اختلالات سازمانی است که در ساختار داخلی، رویه‌های اداری و فرایندهای اجرایی نظام دادرسی ایران وجود دارد و مستقیماً موجب کندی یا انقطاع در رسیدگی قضایی می‌شود.

این دسته از عوامل، مستقل از مقررات ماهوی یا ظرفیت‌های تقنینی، ریشه در نحوه سازماندهی مدیریت پرونده، نظام ارجاع و تقسیم کار، ساختار کارشناسی، وضعیت بایگانی، سامانه‌های نظارتی و فرهنگ اداری دارد. برای نمونه، نبود سازوکارهای مؤثر نظارت بر زمان رسیدگی، ضعف در شفافیت و پاسخگویی کارشناسان و ناهماهنگی میان شعب قضایی، از مصادیق مهم عوامل ساختاری‌اند (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۷۶؛ مهدوی، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

بررسی تطبیقی نظام‌های فرانسه و آلمان نشان می‌دهد که این کشورها با محوریت «ساختار قضایی کارآمد» و نه صرفاً قانون‌گذاری، موفق به کاهش چشمگیر اطلاع شده‌اند. در فرانسه، الگوی سامانه یکپارچه مدیریت پرونده‌ها<sup>۱</sup> برای ارجاع تخصصی، نظارت متمرکز، و ساماندهی فرایند دادرسی در سطح دادگاه طراحی شده است (Ministère de la Justice, 2022). در آلمان نیز، طبق ماده ۲۱ e قانون سازمان قضایی<sup>۲</sup>، مسئولیت تقسیم تخصصی و نظارت زمانی نه بر عهده قاضی رسیدگی‌کننده، بلکه بر عهده ریاست دادگاه است. این رویکرد ضمن حفظ استقلال قاضی، امکان مدیریت ساختاری زمان را فراهم کرده و از اطلاع جلوگیری می‌کند (Bundesministerium der Justiz, 2022: 34).

بنابراین، در این پژوهش، عوامل درون ساختاری قوه قضائیه به‌عنوان متغیر اصلی اطلاع، در قالب هفت محور کلیدی مورد بررسی قرار می‌گیرند که ناظر بر ناکارآمدی‌های سازمانی، اجرایی و نهادی هستند. این رویکرد، زمینه تحلیل ساختارهای قضایی را در بستر تطبیقی فراهم می‌سازد و به تفکیک روش‌مند ریشه‌های اطلاع از علل صرفاً بیرونی منجر می‌شود.

## ۲. تحلیل عوامل درون سازمانی موجب اطلاع دادرسی در قوه قضائیه

### ۲-۱. ضعف در مدیریت قضایی و تاثیر آن بر اطلاع دادرسی

مدیریت قضایی در هر نظام حقوقی کارآمد، ستون فقرات ساختاری رسیدگی منصفانه و به موقع

1. CASSIOPEE

2. DRiG

است. این مفهوم نه فقط به اداره جلسات دادگاه یا تقسیم پرونده‌ها محدود می‌شود، بلکه شامل سیاست‌گذاری در تخصیص منابع، تنظیم شاخص‌های زمانی، نظارت ساختاری، و ساماندهی چرخه پرونده از ورود تا اجرا است. در نظام قضایی ایران، به دلیل فقدان نهاد مستقل «مدیر قضایی» و تمرکز مسئولیت‌ها بر شخص قاضی یا رئیس حوزه، ساختار اداری ناکارآمدی شکل گرفته که یکی از کانون‌های مزمن اطلاع‌دادرسی به‌شمار می‌رود (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۸۸؛ شمس، ۱۳۹۰: ۵۳).

در حال حاضر، مسئولیت‌هایی همچون پیگیری اجرای احکام، ارجاع پرونده‌ها، نظارت بر زمان‌بندی رسیدگی و حتی پاسخگویی اداری، همگی بر دوش قضات گذاشته شده است؛ در حالی که آیین‌نامه نحوه مدیریت مجتمع‌های قضایی مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۵) نیز صراحتاً به لزوم تعیین ساختار مدیریتی جداگانه تأکید کرده است. بی‌توجهی به این ظرفیت قانونی، موجب تأخیر در ثبت، تکرار در رسیدگی، و ناکارآمدی چرخه دادرسی شده است.

با عنایت به اینکه نظام‌های قضایی ایران، آلمان و فرانسه هر یک بر پایه زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ویژه خود شکل گرفته‌اند و مسیر تحول متمایزی را طی کرده‌اند. نظام قضایی ایران، با تکیه بر مبانی فقه اسلامی و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، در عین حال از برخی دستاوردهای نظام‌های رومی - ژرمنی و حقوق فرانسه تأثیر پذیرفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۴۵). این تأثیر به ویژه در زمینه آیین دادرسی و ساختار سازمانی دادگاه‌ها مشهود است.

در آلمان، نظام قضایی بر پایه سنت رومی - ژرمنی و با تأکید بر استقلال قضات و سازماندهی مدیریتی دقیق شکل گرفته است. ریاست دادگاه‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های بار کاری و توزیع وظایف، مدیریت زمان، ارجاع تخصصی پرونده‌ها و ارزیابی عملکرد قضات را اعمال می‌کند. افزون بر این، نهادهای رسمی مانند وزارت دادگستری فدرال آلمان<sup>۱</sup> به‌طور منظم عملکرد ساختارهای قضایی را پیش می‌کنند (Bundesministerium der Justiz, 2022).

فرانسه، به‌عنوان خاستگاه نهادهای حقوقی مدرن و آیین‌های دادرسی، نقشی بنیادین در تحول نظام حقوقی بسیاری از کشورها از جمله ایران داشته است. ساختار قضایی فرانسه بر مبنای تمرکز بر قانون و استقلال قضات و با تأکید بر شفافیت در فرآیندهای قضایی سازماندهی شده است (Merryman & Pérez-Perdomo, 2007: 67).

انتخاب آلمان و فرانسه برای مطالعه تطبیقی در کنار ایران، از این جهت موجه است که، اولاً هر دو کشور در شمار نظام‌های حقوقی پیشرو اروپا قرار دارند و تجربه‌های موفق آن‌ها در مدیریت

1. Bundesministerium der Justiz

قضایی و کارآمدسازی عملکرد دادگاه‌ها می‌تواند الگویی مناسب برای اصلاحات ساختاری در ایران باشد. ثانیاً، ایران به دلیل پیوندهای تاریخی و حقوقی با فرانسه و نیز شباهت‌های ساختاری با آلمان، بستری مناسب برای تحلیل تطبیقی فراهم می‌آورد. از این رو، مطالعه تطبیقی میان این سه کشور نه تنها از نظر روش‌شناسی با معیارهای مطالعات تطبیقی هم‌راستا است (Zweigert & Kötz, 1998: 15)، بلکه امکان بومی‌سازی یافته‌ها و بهره‌برداری عملی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازد.

در کشورهای فرانسه و آلمان، ساختار مدیریت قضایی به‌طور مستقل نهادینه شده است. در آلمان، براساس ماده ۲۱ e قانون سازمان قضایی<sup>۱</sup>، ریاست دادگاه موظف است با استفاده از شاخص‌های بار کاری و جدول توزیع وظایف<sup>۲</sup>، مدیریت زمان، ارجاع تخصصی و ارزیابی عملکرد را اجرا کند. همچنین نهاد دفتر ارزیابی قضایی<sup>۳</sup> به‌طور منظم عملکرد ساختارهای قضایی را پیش و ارزیابی می‌کند (Bundesministerium der Justiz, 2022: 40).

در فرانسه نیز، سامانه یکپارچه مدیریت پرونده‌ها<sup>۴</sup> نقش کلیدی در مدیریت هوشمند و هماهنگ مراحل دادرسی دارد و گزارش‌های مدیریتی برای نظارت مرکزی تولید می‌کند (Ministère de la Justice, 2022). نکته حائز اهمیت آن است که در هر دو کشور، مدیریت قضایی از رسیدگی قضات تفکیک شده و به ساختاری تخصصی با اختیارات مشخص سپرده شده است.

طبق گزارش شورای اروپا (کمیسیون اروپایی کارایی عدالت<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰: ۱۶)، کشورهایی که دارای ساختار مدیریت قضایی مستقل هستند، در میانگین زمان رسیدگی و نرخ رضایت عمومی، عملکرد به‌مراتب بهتری داشته‌اند. همچنین گالاس نشان می‌دهد که تفکیک مدیریت از قضاوت، شرط اساسی تحقق «کارآمدی سازمانی» در دستگاه عدالت است (Gallas, 2018: 78).

بر این اساس، بازطراحی مدیریت قضایی در ایران باید شامل: ایجاد نهاد مستقل مدیریت دادرسی در سطح محاکم، تدوین شاخص‌های زمانی و کیفی، آموزش مدیران قضایی، و پیش‌بینی سازوکار ارزیابی مستمر عملکرد ساختاری باشد؛ زیرا بدون اصلاح در سطح مدیریت ساختار، اطاله دادرسی در سطح رویه‌ای نیز پابرجا خواهد ماند.

1. Deutsches Richtergesetz: DRiG
2. Geschäftsverteilungsplan
3. Justizprüfungsamt
4. CASSIOPEE
5. CEPEJ

## ۲-۲. مشکلات ناشی از مقررات و اجرای کارشناسی در پرونده‌ها و تاثیر آن بر اطلاع‌دادرسی

یکی از مهم‌ترین گره‌گاه‌های ساختاری اطلاع‌دادرسی در ایران، ناکارآمدی در نظام کارشناسی رسمی دادگستری است؛ نهادی که به‌رغم جایگاه مهم خود در فرآیند اثبات و تصمیم‌گیری قضایی، دچار اشکالات مزمن در سطح مقررات، اجرا، سازمان‌دهی و نظارت است (مهدوی، ۱۴۰۰: ۱۴۶). نخست، قوانین مربوط به کارشناسی از انسجام و شفافیت لازم برخوردار نیستند. قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ عمدتاً ناظر بر تعیین صلاحیت و شرایط اولیه ورود است و در زمینه زمان‌بندی، شفافیت عملکرد، تعارض منافع، و ضمانت اجرای تخلف کارشناسان، دچار خلأ جدی است. به همین دلیل، در عمل، کارشناسی به پدیده‌ای کم‌ضابطه، فاقد کنترل و زمان‌بر تبدیل شده است؛ امری که به صدور قرارهای مکرر، جلب نظرهای متوالی و تأخیرهای طولانی منتهی می‌شود (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۹۱).

افزون بر مقررات، فرآیند اجرای کارشناسی نیز دچار نارسایی است. عدم وجود سامانه الکترونیکی جامع برای ارجاع و پیگیری کارشناسی، نبود سازوکار نظارت بر کیفیت نظر کارشناسان، و عدم پاسخگویی ساختاری نهاد کارشناسی، موجب آن شده که دادگاه‌ها یا در انتخاب کارشناس دچار تأخیر شوند، یا به نظر کارشناسان تکراری، غیرتخصصی و حتی خارج از حوزه موضوعی پرونده استناد کنند. همچنین، فقدان نظام «طبقه‌بندی تخصصی کارشناسان» منطبق بر نوع دعوا، باعث شده فرآیند کارشناسی از اصل «تخصص‌گرایی» فاصله بگیرد.

در آلمان، بر اساس ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۱</sup>، کارشناسی صرفاً در مواردی پذیرفته می‌شود که دادگاه دلایل کافی برای نیاز به نظر تخصصی احراز کند، و تنها کارشناسان ثبت‌شده در فهرست رسمی فدرال<sup>۲</sup> مجاز به انجام آن هستند. هر کارشناس ملزم به ارائه گزارش در مهلت معین و با ساختار استاندارد است و قاضی مجاز به ارجاع به کارشناس خارج از حوزه تخصص نیست. علاوه‌براین، طبق دستورالعمل اداره قضایی<sup>۳</sup>، عملکرد کارشناسان هر شش ماه یک‌بار ارزیابی می‌شود. در فرانسه نیز مطابق ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۴</sup>، تعیین کارشناس منوط به ضرورت واقعی و محدود به حوزه صلاحیت دادگاه است. کارشناسان موظفند در قالب‌های الکترونیکی گزارش دهند و از طریق سامانه پرتال مدیریت دادرسی فرانسه<sup>۵</sup> مستقیماً با دادگاه ارتباط برقرار کنند

- 
1. Zivilprozessordnung : (ZPO)
  2. Sachverständigenverzeichnis
  3. Justizverwaltung
  4. Code de procédure civile
  5. French Case Management Portal

(Ministère de la Justice, 2022).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که تأخیر در کارشناسی، زمانی قابل کنترل است که فرآیند آن شفاف، قابل پیگیری، تخصص‌محور و تابع سازوکار ارزیابی عملکرد باشد. در نظام ایران، اصلاح مقررات کارشناسی باید با رویکردی ساختاری و نه صرفاً شکلی، از طریق تدوین آیین‌نامه جامع، ایجاد سامانه ارجاع و ارزیابی، و الزام کارشناسان به استانداردهای زمانی و گزارش‌دهی، دنبال شود.

### ۲-۳. عدم دقت در امور اداری و قضایی و تأثیر آن بر اطلاع‌دادرسی

کارآمدی فرآیند دادرسی نه تنها به کیفیت قضاوت، بلکه به دقت و نظم در امور اداری و پشتیبان وابسته است. امور اداری در فرآیند دادرسی شامل ثبت و گردش پرونده، ابلاغ، بایگانی، ارسال نیابت‌ها، مدیریت شعب، تنظیم اوقات رسیدگی و پیگیری اجرای احکام است. در ایران، این بخش از فرآیند دادرسی عموماً فاقد نظام اداری منسجم، آموزش‌دیده، پاسخ‌گو و دیجیتال‌محور است که این نقیصه مستقیماً موجب اطاله فرآیند قضایی می‌شود (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۹۷؛ امانی، ۱۳۹۹: ۳۲). نخست، سامانه‌های ثبت، ابلاغ و بایگانی در بسیاری از محاکم، هنوز به صورت نیمه‌دستی و غیریکپارچه عمل می‌کنند. عدم اتصال کامل میان دفاتر شعب، ادارات ثبت، اجرای احکام و نیابت‌های قضایی، منجر به موازی‌کاری، تأخیر در تبادل اطلاعات و صدور تصمیمات ناهماهنگ می‌شود. در نتیجه، فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها کند، گسسته و بدون رهگیری سیستمی باقی می‌ماند. دوم، آموزش ناکافی نیروهای اداری و فقدان استانداردهای رفتاری و شغلی برای کارکنان قضایی، موجب بروز اشتباهات پرتکرار در ثبت، درج اطلاعات، ابلاغ نادرست، تعیین اوقات ناقص و بی‌نظمی در مستندسازی می‌شود. این اشکالات اغلب منجر به تعویق جلسات دادرسی، اعاده نیابت‌ها، یا نقض روند رسیدگی در مرحله تجدیدنظر می‌شود.

در آلمان، بر اساس دستورالعمل مدیریت قضایی<sup>۱</sup>، کلیه کارکنان اداری ملزم به گذراندن آموزش‌های مستمر در حوزه گردش اطلاعات، ثبت دیجیتال، و مستندسازی دقیق هستند. سامانه ملی مدیریت پرونده‌ها<sup>۲</sup> با پوشش کامل از ثبت تا اجرای احکام، به‌طور برخط مراحل اداری را کنترل و با هرگونه وقفه، هشدار سیستمی صادر می‌کند (BMJ, 2022: 22).

در فرانسه نیز، سیستم پورتال ملی خدمات قضایی<sup>۳</sup> ضمن یکپارچه‌سازی تمام فرآیندهای اداری، امکان نظارت مستقیم دادگاه تجدیدنظر بر امور اداری شعب را فراهم کرده است. اشتباهات اداری

1. Justizverwaltungsvorschrift

2. ForumSTAR

3. National Judicial Services Portal

از طریق گزارش‌های خودکار در سامانه شناسایی شده و نمره ارزیابی عملکرد برای هر کارمند به‌صورت الکترونیکی تعیین می‌شود (Ministère de la Justice, 2022: 11).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که کاهش اطلاع در مرحله اداری، تنها در صورتی ممکن است که کارکنان آموزش دیده با شرح وظایف روشن و نظارت ساختاری فعالیت کنند، سامانه‌های هوشمند ثبت، بایگانی و ابلاغ به‌صورت سراسری اجرا شوند، پیوستگی عملکرد قضات و کارمندان قضایی از طریق چارچوب‌های نظارت عملکرد یکپارچه‌سازی گردد.

در نظام ایران، حرکت به سوی الکترونیکی‌سازی کامل امور اداری، آموزش تخصصی کارکنان، ارزیابی دوره‌ای و استقرار سامانه‌های هشداردهی دیجیتال در امور ثبتی و ابلاغ، از الزامات حیاتی برای کاهش اطلاع‌دادرسی به شمار می‌رود.

## ۲-۴. مشکلات مربوط به بایگانی راكد و عدم دسترسی سریع به پرونده‌ها و تأثیر آن بر اطلاع‌دادرسی

نظام بایگانی و گردش پرونده‌ها یکی از حلقه‌های کلیدی در زنجیره دادرسی است که دقت، سرعت و نظم آن تأثیر مستقیمی بر کیفیت و مدت فرآیند رسیدگی دارد. در ایران، مشکل پرونده‌های راكد، مفقود، یا ناقص در بایگانی، یکی از عوامل پرمخاطره در بروز اطلاع‌دادرسی به شمار می‌رود؛ زیرا فقدان دسترسی سریع و دقیق به سوابق قضایی، موجب تعویق جلسات، صدور قرارهای اضافی، تجدید رسیدگی، و افزایش هزینه‌های زمانی و اداری برای اصحاب دعوا و دستگاه قضا می‌شود (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۱۰۲؛ طاهری، ۱۴۰۱: ۷۳).

ضعف ساختاری در بایگانی پرونده‌ها از چند جهت قابل تحلیل است: نخست، عدم دیجیتال‌سازی کامل پرونده‌ها و استمرار وابستگی به نسخه‌های کاغذی، که موجب فرسایش، مفقودی یا پراکندگی مستندات می‌شود. دوم، نبود نظام کدگذاری هوشمند و یکپارچه که قابلیت جست‌وجوی سریع سوابق و مستندات را در سطح ملی فراهم کند. سوم، فقدان ارتباط آنلاین میان بایگانی محاکم مختلف که بازبایی سوابق را در پرونده‌های چندشعبه‌ای یا دارای سابقه کیفری - حقوقی دشوار و زمان‌بر می‌سازد.

در آلمان، سیستم بایگانی قضایی تحت سامانه پرونده الکترونیکی قضایی<sup>۱</sup> فعالیت می‌کند که براساس مقررات قانون فدرال پرونده‌های دیجیتال<sup>۲</sup>، تمامی اسناد قضایی باید از سال ۲۰۲۶ صرفاً به‌صورت الکترونیکی ثبت و ذخیره شوند. این سامانه امکان دسترسی لحظه‌ای، جست‌وجوی

1. E-Akte Justiz

2. E-Akten-Gesetz

هوشمند، و بازیابی فوری مستندات را برای قضات، کارکنان اداری و طرفین فراهم می‌سازد (BMJ, 2022: 18).

در فرانسه نیز، سامانه دعای الکترونیکی<sup>۱</sup> ویژه محاکم اداری و سامانه پورتال ملی خدمات قضایی برای محاکم عمومی، با اتصال کامل به بایگانی دیجیتال وزارت دادگستری، به قضات امکان بررسی سوابق، پیوست‌ها، و سابقه دادرسی در لحظه را می‌دهد. علاوه بر این، بر اساس ماده ۱۳-۱۱۱ L از قانون سازمان قضایی فرانسه<sup>۲</sup>، تمامی شعب موظف به نگهداری اسناد در بستر دیجیتال ابری<sup>۳</sup> هستند و مسئولیت امنیت و دسترسی آن‌ها با مدیر IT دادگاه است (Ministère de la Justice, 2022: 15).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که مسئله بایگانی تنها یک چالش فنی نیست، بلکه مستقیماً به شفافیت، استمرار رسیدگی، و حق دفاع طرفین گره خورده است. در ایران، برای مهار اطلاع ناشی از بایگانی راکد، باید چهار اقدام کلیدی صورت گیرد:

۱) الزام تدریجی به بایگانی الکترونیکی، ۲) راه‌اندازی سامانه جستجوی ملی سوابق، ۳) ارتباط برخط بایگانی‌های قضایی کشور، ۴) مسئولیت‌پذیری ساختاری مدیران اداری در قبال امنیت و دسترسی به اسناد.

## ۲-۵. عدم ایجاد رویه‌های قضایی واحد و تأثیر آن بر اطلاع دادرسی

یکی از عوامل مزمن اطلاع دادرسی در نظام قضایی ایران، فقدان نظام مؤثر برای ایجاد، تثبیت و تبعیت از رویه‌های قضایی واحد است. در غیاب وحدت رویه، شعب مختلف حتی در پرونده‌های مشابه، آرای متضادی صادر می‌کنند که منجر به تعویق دادرسی، تجدید رسیدگی، ارجاع‌های مکرر، و گاه نقض آراء در دیوان عالی می‌شود (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۸). این وضع، علاوه بر تحمیل هزینه‌های مضاعف زمانی و مادی، اصل «پیش‌بینی‌پذیری» در عدالت را نیز مخدوش می‌سازد.

نظام کنونی وحدت رویه در ایران که محدود به آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور است، با فرآیندی کند، فاقد انتشار بهنگام، و بدون ضمانت‌اجرای مؤثر همراه است. از سوی دیگر، بانک یکپارچه و قابل جست‌وجوی رویه‌ها در اختیار قضات نیست و سازوکارهای درون‌سازمانی برای پایش و تحلیل آرای متضاد در سطوح پایین‌تر وجود ندارد (طاهری، ۱۴۰۲(ب): ۱۱۶).

در نظام فرانسه، دیوان تمییز<sup>۴</sup> نقش محوری در تضمین وحدت رویه دارد. این نهاد نه تنها آراء

1. Télérecours
2. L.111-13 Code de l'organisation judiciaire
3. cloud sécurisé
4. Cour de cassation

تمیزی را به‌طور نظام‌مند منتشر می‌کند، بلکه رویه تثبیت‌شده را با عنوان رویه قضایی تثبیت شده<sup>۱</sup> از طریق سامانه پایگاه تحلیلی آراء دادگاه تمیز<sup>۲</sup> در اختیار کلیه مراجع قضایی قرار می‌دهد. رأی شاخص شماره ۰۵-۱۷۳/۱۴، تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶ (Ass. Plén., 21 déc 2006, n°05-) از نمونه‌های برجسته در این زمینه است. در این رأی، شعبه عمومی دیوان اعلام کرد که تداوم آرای متعارض از شعب مختلف، نقض حق دادرسی منصفانه محسوب می‌شود، و اصل «امنیت حقوقی» ایجاب می‌کند که رویه واحد و الزام‌آور وجود داشته باشد (Cour de cassation, (Bulletin, 2006: 409).

در آلمان نیز بر اساس ماده ۳۱§ قانون سازمان قضایی<sup>۳</sup>، آرای صادره از دیوان فدرال آلمان<sup>۴</sup> برای سایر محاکم الزام‌آور است، مگر با دلایل موجه و مستند. این آراء در سامانه آرای قضایی آلمان<sup>۵</sup> به‌صورت تحلیلی منتشر می‌شوند و دارای ساختار حقوقی شفاف و قابل استناد هستند (BGH, 2020: 67). همچنین طبق رویه دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>۶</sup>، در رأی مهم *Beian v. Romania*, 2004، تصریح شده است که عدم وحدت رویه در دعاوی مشابه، در صورت فقدان معیار روشن برای تمایز، نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود (ECtHR, 2004: 14). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در نظام‌های موفق قضایی، ایجاد سازوکارهای مؤثر برای تثبیت، انتشار و الزام‌آوری رویه‌های قضایی، ابزاری بنیادین برای کاهش اطلاع، ارتقاء امنیت حقوقی، و اعتماد عمومی به نظام عدالت است. در نظام ایران نیز، تقویت بانک دیجیتال آراء، الزام قضات به ارجاع به رویه‌های مستقر، آموزش رویه‌محور، و تقویت ضمانت اجرای تبعیت از آراء وحدت رویه، ضرورتی انکارناپذیر برای مهار اطلاع‌دادرسی محسوب می‌شود.

## ۲-۶. مشکلات مربوط به نیابت‌های قضایی و اطلاع‌دادرسی

یکی از مهم‌ترین عوامل کمتر دیده‌شده در اطلاع‌دادرسی، ضعف ساختاری و اجرایی در فرآیند نیابت‌های قضایی است؛ فرایندی که باید به تسریع رسیدگی کمک کند، اما در نظام فعلی ایران، خود به عاملی برای تعویق، توقف یا تکرار رسیدگی تبدیل شده است. نیابت قضایی در ایران فاقد یک چهارچوب یکپارچه، شفاف و زمان‌بندی‌شده است؛ به‌طوری‌که در بسیاری از موارد، به دلیل تأخیر

1. jurisprudence consolidée
2. JuriCa
3. 31 § Gerichtsverfassungsgesetz: (GVG)
4. Bundesgerichtshof: (BGH)
5. Entscheidungen
6. ECtHR

در ارسال، عدم انجام به موقع، یا ارسال ناقص پاسخ نیابت، پرونده برای ماه‌ها معلق می‌ماند (قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۲۹؛ افشارنیا، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

نخست، هیچ سامانه دیجیتال سراسری برای ثبت، پیگیری و اجرای نیابت‌ها وجود ندارد. تعامل میان حوزه‌های قضایی به صورت کاغذی، با پست یا از طریق کارتابل‌های نامرتب انجام می‌شود که فاقد رهگیری سیستمی و زمان‌بندی تعهدآور است. دوم، نیابت‌ها در بسیاری موارد بدون اطلاعات کافی، مستندات مرتبط یا شرح دقیق موضوع صادر می‌شوند و مراجع معجری با ابهام در اجرا مواجه می‌شوند. سوم، در صورت تأخیر یا عدم اقدام، هیچ سازوکار الزام‌آور یا نظارت مرکزی وجود ندارد که اجرای نیابت را ضمانت کند.

در نظام قضایی آلمان، صدور و اجرای نیابت قضایی داخلی<sup>۱</sup> در قالب سامانه متمرکز دیجیتال امن قضایی<sup>۲</sup> انجام می‌شود. هر نیابت دارای شماره یکتا، زمان‌بندی معین و شناسه عملکرد است که در تمام سطوح قضایی قابل رهگیری است. اگر شعبه معجری در مهلت مقرر پاسخ ندهد، سامانه هشدار خودکار صادر و مراجع نظارتی مداخله می‌کنند (BMJ, 2022: 24).

در فرانسه نیز طبق ماده R.131-2 از قانون سازمان قضایی فرانسه<sup>۳</sup>، نیابت‌های داخلی باید از طریق سامانه الکترونیکی دادگستری<sup>۴</sup> صادر و دریافت شوند. سامانه مذکور امکان پیوست تمام اسناد، تعیین موعد اجرایی، بارگذاری گزارش و تأیید نهایی توسط مرجع درخواست‌کننده را فراهم می‌سازد. همچنین دادگاه‌های تجدیدنظر موظف به نظارت ماهانه بر اجرای نیابت‌های اجرایی هستند (Ministère de la Justice, 2022: 13).

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که دو ویژگی اساسی برای پیشگیری از اطاله ناشی از نیابت ضروری است:

(۱) زیرساخت دیجیتال پیوسته و قابل رهگیری، (۲) نظارت مستمر نهادهای بالادستی بر اجرای نیابت با ضمانت اجرا.

بدون وجود این دو رکن، صدور و اجرای نیابت ممکن است در برخی شرایط موجب کندی روند دادرسی شود و کارایی سیستم قضایی را کاهش دهد.

برای ایران، اصلاح این فرآیند باید با اقدامات زیر همراه باشد:

طراحی سامانه ملی نیابت قضایی الکترونیکی با قابلیت پیگیری آنلاین؛ الزام به ثبت مشخصات

1. Rechtshilfe
2. DE-Mail Justiz
3. R.131-2 Code de l'organisation judiciaire
4. Electronic Judiciary System

کامل نیابت، اسناد، مهلت و ارزیابی زمان اجرا؛ تعیین نهاد نظارت بر اجرای نیابت‌ها و اختصاص مسئول پاسخگویی در هر حوزه و ایجاد نظام هشدار و پاسخ فوری در صورت تأخیر یا قصور در اجرا.

## ۲-۷. نارسایی‌های محیط کاری قضات و پیامدهای آن بر کیفیت دادرسی

کیفیت دادرسی، تنها به دانش حقوقی قاضی وابسته نیست؛ بلکه مستقیماً تحت تأثیر شرایط محیطی، روانی، نهادی و اداری حاکم بر عملکرد قضات قرار دارد. در نظام قضایی ایران، محیط کاری بسیاری از قضات به دلایل متعدد، از جمله تراکم شدید پرونده، فقدان حمایت تخصصی، فضای اداری نامناسب و نبود زمان کافی برای مطالعه، با فشار مضاعف همراه است. این وضعیت نه تنها بر دقت و سرعت صدور آراء، بلکه بر کیفیت آن‌ها و نهایتاً بر افزایش ارجاعات، اعتراضات و نقض‌ها اثر منفی می‌گذارد؛ یعنی خود به منبعی از اطلاع‌دادرسی تبدیل می‌شود (سپهری، ۱۴۰۰: ۵۳؛ افشارنیا، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

در بسیاری از دادگاه‌های ایران، قاضی مجبور است در شرایطی پرتنش، با منابع محدود، بدون اتاق مشاوره یا دستیار، و با ساعات کاری طولانی و بی‌وقفه، میان چندین وظیفه اداری، دفتری و رسیدگی، به تنهایی عمل کند. این وضعیت با معیارهای استاندارد استقلال و تمرکز قضایی مغایر است.

در آلمان، طبق بند ۲ ماده ۲۶ قانون خدمات قضات آلمان<sup>۱</sup>، قضات باید در محیطی «آرام، مستقل و مبتنی بر عدالت سازمانی» کار کنند. برای این منظور، نظام اداری دادگاه‌ها ملزم به تأمین شرایط کاری مناسب از نظر تجهیزات، زمان‌بندی رسیدگی، دستیار حقوقی و امنیت شغلی هستند. به همین دلیل در بسیاری از ایالت‌های آلمان، قضات از پشتیبانی پژوهشی<sup>۲</sup> برخوردارند که در تهیه پیش‌نویس، تنظیم رأی و تحلیل پرونده یاری می‌کنند (DRiG, §26, 2020: 11).

در فرانسه نیز، طبق ماده R.212-15 قانون سازمان قضایی فرانسه<sup>۳</sup>، دولت موظف است برای هر قاضی، فضای کاری مستقل، دستیار دفتری و سامانه ارتباطی امن فراهم کند. همچنین برنامه رفاه قضایی<sup>۴</sup> که از سال ۲۰۱۸ اجرا می‌شود، با هدف کاهش استرس، تنظیم زمان رسیدگی و افزایش رضایت شغلی قضات طراحی شده است (Ministère de la Justice, 2021: 19).

تحلیل تطبیقی نظام‌های قضایی فوق حاکی از آن است که رفاه شغلی، تمرکز ذهنی و حمایت ساختاری می‌توانند نقش مهمی در عملکرد قاضی ایفا کنند. شواهد نظری نشان می‌دهند که در

1. Deutsches Richtergesetz: DRiG

2. Wissenschaftlicher Mitarbeiter

3. R.212-15. Code de l'organisation judiciaire

4. Plan Bien-être Judiciaire

برخی کشورها مانند فرانسه و آلمان، ساختارهای قضایی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که قاضی در مرکز نظام قضایی قرار دارد و سیستم برای تسهیل انجام وظایف او عمل می‌کند. در مقابل، در نظام قضایی ایران، بار کاری قضات و آمارگرایی معمولاً فشار قابل توجهی بر عملکرد آنان وارد می‌کند و نقش مرکزی قاضی در سیستم کمتر برجسته است. با این حال، برای تأیید دقیق این روابط و تعیین میزان اثرگذاری هر عامل، نیاز به مطالعات میدانی و داده‌های تجربی گسترده وجود دارد.

بنابراین، اصلاح ساختاری محیط کاری قضات در ایران نیازمند اقدامات مشخصی است از جمله: تعیین سقف تعداد پرونده روزانه برای هر قاضی؛ تأمین حداقل امکانات فضای کاری و وقت مطالعه؛ استقرار نظام کمک‌قاضی و مشاور حقوقی؛ پیش‌بینی حمایت‌های روانی - رفاهی برای کاهش فرسودگی شغلی؛ و ایجاد نظام یکپارچه ارزیابی رضایت شغلی قضات برای پایش مستمر و بهبود عملکرد قضایی.

### ۳. راهکارهای اصلاحی مبتنی بر تجارب تطبیقی در کاهش عوامل درون‌تشکیلاتی اطاله

#### دادرسی

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل عوامل درون‌تشکیلاتی اطاله دادرسی، روشن است که بخش قابل توجهی از کاستی‌ها و موانع فراروی تحقق دادرسی به موقع، ناشی از نارسایی‌های ساختاری، ضعف‌های مدیریتی و ناکارآمدی در برخی سازوکارهای اجرایی در درون قوه قضاییه است. بر این اساس، صرف شناخت آسیب‌ها کافی نیست؛ بلکه ضروری است با تکیه بر ظرفیت‌های قانونی، تجربیات داخلی و آموزه‌های نظام‌های تطبیقی، راهکارهایی واقع‌بینانه، اجرایی و متناسب با مقتضیات حقوقی کشور ارائه گردد.

در این بخش، با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل عوامل درون‌تشکیلاتی اطاله دادرسی، راهبردهای اصلاحی برای هر یک از عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر اطاله دادرسی، با هدف بهبود کیفیت رسیدگی، ارتقاء بهره‌وری ساختارهای قضایی و کاهش بار کاری محاکم، به صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. تقویت مدیریت قضایی با الگوی تخصص‌گرایی و مدیریت پرونده‌ها

یکی از کلیدی‌ترین راهکارهای کاهش اطاله دادرسی، تقویت مدیریت قضایی با تمرکز بر تخصص‌گرایی و بهینه‌سازی سازوکار ارجاع و رسیدگی به پرونده‌هاست. در نظام‌های پیشرفته‌ای مانند آلمان و فرانسه، مدیریت قضایی صرفاً به‌عنوان مسئولیت اداری محدود تلقی نمی‌شود، بلکه نهادی فنی و پشتیبان است که در هماهنگی با قاضی، ساماندهی زمان، اولویت‌بندی پرونده‌ها و کنترل کیفیت رسیدگی را بر عهده دارد.

در آلمان، بر اساس ماده ۲۱ e قانون سازمان قضایی آلمان<sup>۱</sup>، رؤسای دادگاه‌ها موظف‌اند با بهره‌گیری از نظام طرح توزیع وظایف قضایی<sup>۲</sup>، پرونده‌ها را با ملاحظه تخصص، تجربه و حجم کاری میان قضات تقسیم کنند. این فرایند نه تنها موجب کاهش بار کاری نابسامان می‌شود، بلکه با جلوگیری از ارجاع‌های نامتوازن، موجب تسریع در رسیدگی و ارتقاء کیفیت آراء شده است (BMJ, 2022: 34).

در فرانسه نیز، سامانه مدیریت الکترونیکی پرونده‌های قضایی<sup>۳</sup>، توزیع پرونده‌ها را به صورت هوشمند و متناسب با حوزه تخصص، بارکاری و زمان آزاد قضات انجام می‌دهد. این سامانه نه تنها موجب جلوگیری از تراکم پرونده‌ها شده، بلکه نقش مهمی در تحلیل آماری عملکرد شعب ایفا می‌کند (Ministère de la Justice, 2021: 21).

ارزیابی امکان اجرا در ایران: با توجه به استقرار سامانه مدیریت پرونده قضایی (CMS)، پیاده‌سازی نظام ارجاع هوشمند با اصلاح آیین‌نامه ارجاع پرونده‌ها و ایجاد بانک اطلاعات قضات در معاونت منابع انسانی، کاملاً عملی است. همچنین برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی مبتنی بر رشته‌های دعاوی (حقوق خانواده، تجاری، مالکیت فکری و...) گام مکملی برای نهادینه‌سازی مدیریت قضایی تخصص محور خواهد بود.

### ۲-۳. اصلاح ساختار کارشناسی قضایی با الگوبرداری از فرانسه

یکی از گلوگاه‌های جدی در ایجاد اطلاع‌دادرسی، نارسایی ساختاری و نظارتی در حوزه کارشناسی رسمی دادگستری است. در نظام فعلی ایران، طولانی بودن فرایند کارشناسی، ارجاعات مکرر، عدم تعهد زمانی مشخص و نبود نظارت کیفی مؤثر بر نظریات کارشناسی، به تأخیر جدی در صدور رأی منجر می‌شود. این وضعیت به ویژه در پرونده‌های تخصصی مانند دعاوی ملکی، مالی و مهندسی، نمود بیشتری دارد (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۹۱).

در نظام قضایی فرانسه، کارشناسی دارای نظام حقوقی ساختاریافته و متکی بر ضمانت اجراست. بر اساس ماده R.621-1 از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه<sup>۴</sup>، کارشناسان موظف‌اند در مهلت تعیین شده نظریه خود را ارائه دهند و تخطی از مهلت، می‌تواند به حذف آن‌ها از فهرست رسمی کارشناسان یا مسئولیت جبران خسارات منتهی شود. علاوه بر این، در سامانه مدیریت کارشناسی و

1. Deutsches Richtergesetz: (DRiG)
2. Geschäftsverteilungsplan
3. CASSIOPEE
4. R.621-1 Code de procédure civile

دادرسی الکترونیکی<sup>۱</sup> دادگاه‌ها بر اجرای دقیق مهلت‌ها و کیفیت گزارش‌ها نظارت می‌کنند (Ministère de la Justice, 2022: 17).

کارشناسان در فرانسه موظف به رعایت ساختار رسمی گزارش، مستندسازی دقیق، اعلام محدودیت‌های تخصصی و پاسخ به ایرادات طرفین هستند. از آن مهم‌تر، نهادهای نظارتی قضایی، سالانه عملکرد کارشناسان را بررسی و نتایج را در بانک عمومی ثبت می‌کنند.

ارزیابی امکان اجرا در ایران: در نظام حقوقی ایران نیز ظرفیت‌های مناسبی برای اصلاح این حوزه وجود دارد. از منظر تقنینی، تدوین «لایحه جامع کارشناسی رسمی» با مشارکت قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی می‌تواند مبنای اصلاح باشد. اما از منظر اجرایی، اقدام فوری‌تر می‌تواند از طریق ایجاد واحدهای نظارت و ارزیابی کارشناسی در دادگستری‌های استان‌ها و اتصال این واحدها به سامانه ثنا جهت رهگیری مهلت، کیفیت و دفعات ارجاع باشد. همچنین درج سوابق عملکرد کارشناسان در بانک اطلاعات قضایی، گامی مؤثر برای شفافیت، رقابت حرفه‌ای و کاهش ارجاعات تکراری خواهد بود.

### ۳-۳. ارتقای دقت در امور اداری و قضایی با فناوری و آموزش

ناکارآمدی در ثبت، مستندسازی، ابلاغ، پیگیری‌های دفتری و زمان‌بندی جلسات، از عوامل اساسی در اختلال گردش کار قضایی و افزایش اطاله دادرسی در ایران است. این مشکلات که عمدتاً ناشی از ضعف آموزش کارکنان، فقدان سامانه‌های هشداردهنده و اتکا به فرآیندهای نیمه‌دستی است، موجب لغو جلسات، صدور تصمیمات ناقص و اخلال در نظام وقت‌دهی و ثبت می‌شود (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۹۸؛ یوسفی، ۱۴۰۱: ۶۲).

در گزارش کمیسیون اروپایی کارایی عدالت<sup>۲</sup> آمده است که در کشورهای عضو، استفاده از سامانه‌های هشداردهنده<sup>۳</sup>، ثبت زمان جلسات<sup>۴</sup> و طبقه‌بندی هوشمند پرونده‌ها<sup>۵</sup> نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش اطاله دادرسی داشته‌اند (CEPEJ, 2020: 31).

به‌عنوان مثال، در فرانسه، سامانه یکپارچه مدیریت دادرسی<sup>۶</sup> به کارکنان قضایی امکان می‌دهد که برای هر پرونده، مهلت‌های نظارت، ابلاغ‌ها و ثبت اقدامات مهم را به‌صورت خودکار پیگیری کنند.

1. Télérecours
2. CEPEJ
3. alert systems
4. hearing schedule tools
5. smart filing systems
6. Portalis

در یک رأی دیوان تمییز فرانسه (Cour de cassation, 2019) وزارت دادگستری به دلیل تأخیر در پیگیری وقت نظارت و ناهماهنگی دفتری، به پرداخت غرامت محکوم شد؛ امری که نشان می‌دهد کیفیت امور دفتری، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند دادرسی محسوب می‌شود (Cour de cassation, 2019: 44).

ارزیابی امکان اجرا در ایران: زیرساخت فنی برای اصلاح فرآیندهای اداری با استفاده از سامانه‌های موجود مانند عدل ایران و سامانه مدیریت جلسات قضایی فراهم است. می‌توان با تصویب بخشنامه داخلی از سوی ریاست قوه قضاییه، ثبت اجباری وقت نظارت، اقدامات دفتری و هشدار مهلت‌ها را در این سامانه‌ها نهادینه کرد. همچنین، تدوین دوره‌های آموزش تخصصی غیرحضوری (آفلاین و آنلاین) توسط معاونت آموزش قوه قضاییه، با محتوای ویژه دقت اداری و مستندسازی، در افزایش کارایی ادارات دفاتر نقش مهمی خواهد داشت.

### ۳-۴. اصلاح بایگانی راکد با دیجیتال‌سازی فراگیر و کنترل کیفی

یکی از عوامل ساختاری مؤثر در اطلاع‌دادرسی، ضعف در نظام بایگانی پرونده‌های مختومه و جاری و عدم دسترسی سریع به سوابق قضایی است. در بسیاری از محاکم ایران، همچنان بایگانی به شیوه فیزیکی، غیراستاندارد و بدون سامانه کنترل کیفی فعال است. این امر موجب تأخیر در بازیابی اطلاعات، مفقودی اوراق، و تحمیل زمان اضافی به دادرسی می‌شود (طاهری، ۱۴۰۲ [الف]: ۵۴؛ افشارنیا، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

در نظام قضایی آلمان، با اجرای قانون بایگانی الکترونیک<sup>۱</sup>، کلیه اسناد قضایی از سال ۲۰۲۶ ملزم به ثبت، نگهداری و بایگانی صرفاً در قالب دیجیتال خواهند بود. سامانه پرونده الکترونیکی قضایی<sup>۲</sup> به صورت متمرکز و با شاخص‌های کیفی، اسناد را بایگانی و امکان بازیابی فوری، طبقه‌بندی موضوعی و کنترل صحت اسناد را فراهم می‌سازد (BMJ, 2022: 18).

در فرانسه نیز، مطابق ماده R.222-1 قانون سازمان قضایی فرانسه<sup>۳</sup>، بایگانی فیزیکی باید تا سال ۲۰۲۵ به طور کامل حذف و جای خود را به پورتال بایگانی الکترونیکی قضایی<sup>۴</sup> بدهد. این سامانه نه تنها امکان دسترسی بلادرنگ به سوابق را برای قضات فراهم می‌کند، بلکه با مکانیزم‌های کنترل کیفیت بایگانی<sup>۵</sup>، استانداردسازی اسناد و ممیزی دوره‌ای را نیز در دستور کار دارد (Ministère de la

1. E-Akten-Gesetz
2. E-Akte Justiz
3. R.222-1 Code de l'organisation judiciaire
4. Portail de l'archivage électronique judiciaire
5. contrôle qualité des archives

(Justice, 2021: 23).

ارزیابی امکان اجرا در ایران: دستورالعمل ساماندهی بایگانی راکد مصوب ۱۳۹۷ گام اولیه در این زمینه بوده است، اما برای اثربخشی واقعی، لازم است: (۱) پروژه دیجیتال‌سازی با اولویت پرونده‌های مختومه شروع شده و در قالب طرح پایلوت در استان‌های پرمراجعه اجرا شود؛ (۲) کنترل کیفی اسناد دیجیتالی از طریق تشکیل واحد ممیزی بایگانی دیجیتال در سطح دادگستری‌های کل استان‌ها انجام شود؛ (۳) سامانه یکپارچه جست‌وجوی سوابق برای قضات و کارمندان ایجاد گردد و (۴) گزارش‌های ماهانه در خصوص میزان پرونده‌های بازبایی شده، اسناد ناقص و زمان پاسخ‌گویی، به ریاست قوه قضاییه و مرکز آمار و فناوری ارسال شود.

### ۳-۵. ایجاد رویه قضایی واحد با نهادسازی مؤثر

یکی از عوامل پنهان اما ساختاری در اطاله دادرسی، نبود رویه قضایی واحد در رسیدگی‌های مشابه است. در بسیاری از دعاوی، به‌ویژه در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، به سبب فقدان الزام عملی به تبعیت از آرای وحدت رویه، نبود بانک جامع رویه‌های معتبر و اختلاف برداشت‌ها، آرای متضادی صادر می‌شود که موجب ارجاع مکرر، تجدید رسیدگی، نقض در مراحل بالاتر و تزلزل در اجرای احکام می‌گردد (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۸؛ طاهری، ۱۴۰۲ [ب]: ۱۱۶).

در نظام فرانسه، بر اساس ماده 1-441.L قانون سازمان قضایی فرانسه، دیوان تمیز<sup>۱</sup> (بالاترین مرجع تمیزی کشور) مکلف است در صورت بروز اختلاف در رویه، رأساً وارد عمل شده و با صدور رأی وحدت‌بخش، مسیر واحدی برای کلیه محاکم ترسیم کند. این آراء از طریق سامانه پایگاه تحلیلی آراء دیوان<sup>۲</sup> در اختیار عموم قرار می‌گیرد و با عنوان رویه قضایی تثبیت شده<sup>۳</sup> مبنای آموزش، استناد و استدلال قضات است (Cour de cassation, 2021: 22).

در آلمان نیز، دیوان عالی فدرال<sup>۴</sup> مطابق ماده ۳۱§ از قانون ساختار قضایی آلمان<sup>۵</sup>، اختیار تفسیر و تثبیت رویه را دارد و آرای وحدت‌بخش آن برای کلیه محاکم لازم‌الاتباع محسوب می‌شود. تخطی از آن مستلزم ارائه استدلال مکتوب و ویژه است. کلیه آراء با مستندات تحلیلی در سامانه بانک آراء قضایی آلمان<sup>۶</sup> منتشر می‌شود (BGH, 2020: 67).

1. Cour de cassation
2. JuriCa
3. jurisprudence consolidée
4. 31 § Bundesgerichtshof : (BGH)
5. Gerichtsverfassungsgesetz
6. Entscheidungen

ارزیابی امکان اجرا در ایران: با وجود جایگاه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در صدور آراء وحدت رویه، فقدان سازوکار پایش تعارض آراء، تأخیر در صدور آراء وحدت، عدم دسترسی آسان قضات به آرای صادره و نبود الزام اجرایی مؤثر، کارکرد این نهاد را محدود کرده است. پیشنهاد می‌شود: (۱) «مرکز ملی پایش تعارض آراء» در ساختار دیوان عالی کشور یا معاونت راهبردی قوه قضاییه ایجاد گردد؛ (۲) بانک دیجیتال آرای وحدت رویه با دسته‌بندی موضوعی و امکان جست‌وجوی تخصصی ایجاد شود؛ (۳) آموزش رویه‌محور قضات با استناد به رویه‌های ملی الزام‌آور<sup>۱</sup> از بدو انتصاب نهادینه شود و (۴) ضمانت تبعیت از آراء وحدت رویه از طریق اصلاح آیین‌نامه تشکیلات قضایی پیش‌بینی گردد.

### ۳-۶. نوسازی نظام نیابت قضایی با الگوبری از ساختار دیجیتال فرانسه

یکی از نارسایی‌های مزمن در ساختار دادرسی ایران، ناکارآمدی در نظام نیابت‌های قضایی داخلی است؛ نارسایی‌ای که به دلیل فرآیندهای کند، نبود سامانه‌های رهگیری، و ناهماهنگی میان مراجع، منجر به توقف پرونده‌ها و تأخیرهای چندماهه در رسیدگی می‌شود. در بسیاری از موارد، نیابت‌ها به صورت دستی، غیرسیستمی، بدون مستندات کافی و فاقد مهلت مشخص، میان شعب دادگاه‌ها تبادل می‌شوند، و در صورت قصور، سازوکاری برای پیگیری مؤثر وجود ندارد (قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۲۹؛ افشارنیا، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

در نظام فرانسه، بر اساس ماده ۲-۱۳۱ R از قانون سازمان قضایی فرانسه<sup>۲</sup>، کلیه نیابت‌های قضایی داخلی باید از طریق سامانه ملی خدمات قضایی فرانسه<sup>۳</sup> صادر و اجرا شوند. این سامانه امکان ثبت دقیق اطلاعات نیابت، تعیین مهلت پاسخ، بارگذاری مستندات پیوست، پیگیری آنلاین وضعیت اجرا و تأیید نهایی توسط مرجع درخواست‌کننده را فراهم می‌سازد (Ministère de la Justice, 2022: 13). در این ساختار، دادگاه‌های تجدیدنظر نقش ناظر دارند و موظف‌اند ماهانه گزارش نیابت‌های معوق و اجراشده را در سامانه وارد کنند. همچنین تأخیر بدون عذر موجه در اجرای نیابت می‌تواند منجر به تذکر اداری یا مسئولیت انضباطی کارکنان شود.

ارزیابی امکان اجرا در ایران: نوسازی نظام نیابت در ایران نیازمند سه گام اصلی است:

(۱) طراحی و استقرار «سامانه ملی نیابت‌های قضایی داخلی» با امکان صدور، ارجاع، پیگیری و نظارت سیستمی؛ (۲) تدوین آیین‌نامه الزام‌آور برای تعیین مهلت، فرمت استاندارد اطلاعات، و

1. jurisprudence nationale  
2. R.131-2 Code de l'organisation judiciaire  
3. Portalis

سازوکار گزارش دهی؛ ۳) ایجاد واحدهای پاسخ‌گویی نیابت در هر دادگستری و تعیین مسئول اجرای نیابت در هر حوزه قضایی.

### ۳-۷. بازطراحی نظام پشتیبانی قضات با الگوبرداری از ساختار نهادی فرانسه و آلمان

کیفیت دادرسی در گرو عملکرد مؤثر و تمرکز ذهنی قضات است، اما در نظام فعلی ایران، قضات در بسیاری از شعب، به صورت فردی و بدون بهره‌مندی از نظام پشتیبانی ساختاری، وظایف قضایی و اداری را به طور هم‌زمان بر عهده دارند. نبود دستیار قضایی، مشاور حقوقی، کارشناس تحلیل پرونده و حتی کارمند ثابت اداری، منجر به کاهش سرعت، دقت، و کیفیت آراء و افزایش خستگی شغلی می‌شود (سپهری، ۱۴۰۰: ۴۷؛ یوسفی، ۱۴۰۱: ۶۲).

در نظام قضایی آلمان، بر اساس ماده ۱۸ قانون خدمات قضات<sup>۱</sup>، هر قاضی واجد شرایط می‌تواند از یک یا چند دستیار پژوهشی (کارشناس علمی حقوقی)<sup>۲</sup> بهره‌مند شود که در بررسی سوابق، تدوین پیش‌نویس رأی و دسته‌بندی حقوقی پرونده‌ها یاری می‌کنند. این حمایت ساختاری به‌ویژه در دعاوی پیچیده، نقش بسزایی در ارتقای کارآمدی قضات دارد (DRiG, 2020: 11).

در فرانسه نیز، طبق ماده R.212-15 قانون سازمان قضایی فرانسه<sup>۳</sup>، برای هر قاضی باید امکاناتی از قبیل اتاق مستقل، کارمند اداری ثابت، سامانه دسترسی به سوابق، و مشاور قضایی پیش‌بینی شود. همچنین در چارچوب برنامه طرح رفاه قضایی<sup>۴</sup>، قضات در محاکم پرکار از پشتیبانان اداری و روان‌شناختی بهره‌مند می‌شوند (Ministère de la Justice, 2021: 19).

ارزیابی امکان اجرا در ایران: بازطراحی نظام پشتیبانی قضات مستلزم اقدامات چندمرحله‌ای است: ایجاد پست رسمی دستیار قضایی در ساختار تشکیلاتی قوه قضاییه برای محاکم پرحجم؛ اختصاص یک کارشناس با تخصص مرتبط برای تحلیل سوابق حقوقی و ارائه مشاوره کارشناسی در دعاوی تخصصی به قاضی؛ تعریف سامانه مکاتبات فوری درون‌سازمانی بین قاضی و واحدهای مشورتی یا پژوهشی و در نهایت، ارزیابی سالانه میزان فشار شغلی قضات با شاخص‌های علمی و گزارش محور.

چنین ساختاری علاوه بر ارتقاء کیفیت آراء، موجب افزایش رضایت شغلی، تمرکز فکری و کاهش اطلاع ناشی از تکرار رسیدگی خواهد شد.

- 
1. Deutsches Richtergesetz : (DRiG)
  2. Wissenschaftlicher Mitarbeiter
  3. R.212-15 Code de l'organisation judiciaire
  4. Plan Bien-être Judiciaire

### ۳-۸. پیشنهادات کلان پایانی برای سیاست‌گذاری و تحول نهادی

اگرچه ارائه راهکارهای عملیاتی برای هر یک از عوامل درون‌تشکیلاتی اطلاع‌دادرسی گامی ضروری در جهت اصلاح نظام قضایی است، اما تجربه نظام‌های پیشرفته قضایی نشان داده است که مقابله مؤثر، مستمر و ساختاری با این پدیده، مستلزم تدوین سیاست‌های کلان، نهادساز و یکپارچه در سطح ملی است. این سیاست‌ها باید ضمن اتکا بر داده‌محوری، بر نهادینه‌سازی «مدیریت هوشمند فرآیند دادرسی»، تقویت «انسجام ساختاری قوه قضاییه»، و ارتقاء «نظام نظارت و پاسخگویی قضایی» مبتنی باشند.

بر پایه یافته‌های تحلیلی و تطبیقی این پژوهش، پیشنهادهای زیر به‌عنوان سیاست‌های کلان نهایی قابل طرح هستند:

#### ۳-۸-۱. تدوین «سند ملی راهبردی کاهش اطلاع‌دادرسی»

این سند راهبردی، به‌منظور جهت‌دهی بلندمدت به سیاست‌های قضایی، می‌تواند با همکاری معاونت حقوقی قوه قضاییه، مرکز آمار و فناوری اطلاعات، و پژوهشگاه قوه قضاییه طراحی شود. اهداف کلیدی این سند عبارتند از: تدوین «نقشه راه پنج‌ساله کاهش زمان رسیدگی»؛ طراحی شاخص‌های کلیدی عملکرد محاکم بر پایه زمان، کیفیت و هماهنگی نهادی؛ ایجاد سازوکار ارزیابی پیشرفت اصلاحات ساختاری مبتنی بر داده‌های رسمی و نظارت عمومی.

این سند ملی راهبردی می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در دستورالعمل کاهش اطلاع‌دادرسی مصوب ریاست قوه قضاییه (مصوبه شماره ۹۰۰۰/۲۱۶۲۶/۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ رئیس قوه قضاییه) که بر پایه بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی مقام معظم رهبری تدوین شده، تقویت شود. این دستورالعمل با تأکید بر تشکیل هیأت مرکزی و استانی (مواد ۴ و ۸) برای سیاست‌گذاری، نظارت مستمر و تحلیل آمار پرونده‌های معوق، مستقیماً با عوامل درون‌سازمانی اطلاع‌دادرسی مانند ضعف مدیریت قضایی و ناکارآمدی اداری هم‌خوانی دارد و می‌تواند به عنوان مبنایی برای ادغام تجارب تطبیقی فرانسه و آلمان در ساختار بومی ایران عمل کند.

#### ۳-۸-۲. ایجاد «مرکز ملی نظارت بر زمان رسیدگی»

پیشنهاد می‌شود نهادی نیمه‌مستقل در درون ساختار قوه قضاییه با مأموریت رصد برخط زمان رسیدگی، تهیه گزارش‌های آماری مستمر، تحلیل داده‌های روندی و پیشنهاد اصلاحات ساختاری ایجاد گردد. این مرکز می‌تواند مشابه نهادهای نظارتی در برخی کشورها (مانند CEPEJ در شورای اروپا یا Court Statistics Project در ایالات متحده) عمل کرده و با انتشار سالانه گزارش «نقشه زمان دادرسی»، به شفافیت، پاسخگویی و طراحی مبتنی بر شواهد کمک کند.

### ۳-۸-۳. طراحی «نظام رتبه‌بندی کیفی شعب قضایی»

ایجاد سازوکاری برای رتبه‌بندی شعب قضایی بر مبنای شاخص‌های عملکردی و کیفی گامی مؤثر در جهت ارتقاء انگیزه حرفه‌ای، ایجاد رقابت سالم، و تقویت کارآمدی نهادی است. این نظام می‌تواند شامل معیارهایی نظیر میانگین زمان رسیدگی؛ درصد نقض آراء در مراجع بالاتر؛ نرخ ارجاع به کارشناسی؛ میزان تطابق با رویه‌های وحدت‌یافته و بهره‌برداری از ابزارهای الکترونیکی دادرسی باشد. پیشنهاد می‌شود نتایج این رتبه‌بندی به‌صورت دوره‌ای و شفاف در سامانه رسمی قوه قضاییه منتشر گردد.

#### نتیجه

تحلیل عوامل درون‌تشکیلاتی مؤثر بر اطاله دادرسی در نظام قضایی ایران نشان می‌دهد که ریشه‌های این پدیده عمدتاً در نارسایی‌های ساختاری، ضعف در مدیریت قضایی، ناکارآمدی نظام کارشناسی رسمی، اختلال در نظام بایگانی و مستندسازی، فرسودگی اداری، و نبود سازوکارهای نظارتی کارآمد نهفته است. اثرگذاری متقابل این عوامل، به تراکم پرونده‌ها، کندی فرایند رسیدگی، افزایش نقض آراء، و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به عدالت منجر شده است.

تجارب تطبیقی کشورهای فرانسه، آلمان و نهادهایی نظیر CEPEJ و OECD نشان می‌دهد که تحول در نظام دادرسی زمانی موفق خواهد بود که بر سه محور «مدیریت تخصص‌محور»، «شفافیت فرآیند» و «پاسخ‌گویی داده‌محور» استوار باشد. این پژوهش نیز نشان داد که رویکرد جزیره‌ای در اصلاحات کافی نیست و باید با سیاست‌گذاری کلان، نهادسازی حقوقی، و بازطراحی اجرایی همراه باشد.

#### الف) راهکارهای تقنینی:

۱. تدوین لایحه جامع کارشناسی رسمی دادگستری با هدف یکپارچه‌سازی مقررات، تعیین ضمانت اجرای تخلف از مهلت، و افزایش پاسخ‌گویی حرفه‌ای.

۲. اصلاح آیین‌نامه نحوه ارجاع پرونده‌ها در محاکم به‌منظور تضمین تخصص‌گرایی و تناسب موضوعی در انتصاب قضات.

۳. الحاق مواد جدید به قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران برای ایجاد الزام قانونی نسبت به زمان‌بندی، مستندسازی الکترونیکی و کنترل خودکار مراحل رسیدگی

#### ب) راهکارهای سیاستی و نهادی

۱. تدوین سند ملی راهبردی کاهش اطاله دادرسی در قالب یک برنامه پنج‌ساله با همکاری معاونت راهبردی، پژوهشگاه قوه قضاییه و مرکز آمار، مشابه سند‌های راهبردی CEPEJ و مدل پروژه

- آمار و اریایی عمکرد دادگاه‌ها<sup>۱</sup> در ایالات متحده (CSP, 2021؛ CEPEJ, 2020: 28).
۲. ایجاد مرکز ملی نظارت بر زمان دادرسی با ساختار نیمه‌مستقل در درون قوه قضاییه به‌منظور  
پایش برخط و ارائه گزارش‌های ساختاریافته به ریاست قوه قضائیه
۳. طراحی نظام رتبه‌بندی کیفی شعب قضایی بر پایه شاخص‌هایی مانند میانگین زمان رسیدگی،  
نرخ نقض، میزان دیجیتال‌سازی و انطباق با رویه‌های وحدت‌یافته
- ج) راهکارهای اجرایی و ساختاری
۱. دیجیتال‌سازی فراگیر بایگانی راکد، نیابت‌ها و مستندات قضایی با بهره‌گیری از سامانه عدل  
ایران و پیاده‌سازی کامل دستورالعمل ساماندهی مصوب ۱۳۹۷
۲. گسترش بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرآیند دادرسی، به‌ویژه سامانه‌های هوشمند و  
ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، در ادبیات معاصر حقوق قضایی به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر  
کاهش اطلاع‌دادرسی شناخته می‌شود. استفاده از هوش مصنوعی در مقام «تصمیم‌یار» یا «مشاور  
قضایی» می‌تواند با افزایش سرعت و دقت در پردازش داده‌های قضایی، از تأخیرهای غیرضروری و  
خطاهای انسانی بکاهد؛ با این حال، به دلیل چالش شفافیت الگوریتمی، بهره‌گیری از این ابزارها  
مستلزم پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی در مراحل طراحی، آموزش و استفاده است. از سوی دیگر،  
توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت دادگستری، از جمله دیجیتال‌سازی ابلاغ، بایگانی  
و گردش پرونده‌ها، ضمن کاهش هزینه‌ها و خطر مفقودی اسناد، امکان مدیریت مؤثر زمان رسیدگی  
و دسترسی بهتر اصحاب دعوا به عدالت قضایی را فراهم می‌سازد. ترکیب هدایت‌شده این دو  
رویکرد، در صورت بومی‌سازی و استقرار تدریجی در نظام قضایی ایران، می‌تواند به‌عنوان یک  
راهکار اجرایی و ساختاری، نقش مهمی در مهار اطلاع‌دادرسی ایفا کند؛ مشروط بر آنکه اصول  
شفافیت، پاسخگویی نهادی و نظارت انسانی حفظ شود (حسینی، عبدخدائی، شریف‌خانی محمد،  
۱۴۰۲: ۶۷).
۳. طراحی سامانه هوشمند ارجاع و تشخیص صلاحیت ذاتی با الگوریتم‌های یادگیرنده  
پیشنهادی مرکز آمار و فناوری قوه قضاییه.

## منابع

## فارسی

- امانی، الهام. (۱۳۹۹). بازخوانی چالش‌های ساختاری بایگانی قضایی. فصلنامه مدیریت قضایی نوین، شماره ۳۲.
- افشارنیا، مبین. (۱۳۸۹). اطاله دادرسی و توسعه قضایی. تهران: نشر خرسندی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش
- سپهری، علی. (۱۴۰۰). فرسودگی شغلی و کیفیت دادرسی. فصلنامه سلامت روانی و حقوقی قضات، شماره ۴.
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی (جلد اول). چاپ بیست‌وهفتم. تهران: دراک.
- طاهری، سعید. (۱۴۰۱). کیفیت عملکرد اداری در فرایند دادرسی. فصلنامه راهبرد عدالت، شماره ۱۷.
- طاهری، سعید. (۱۴۰۲). تحلیل عملکرد بایگانی در روند رسیدگی قضایی. فصلنامه راهبرد عدالت، شماره ۱۸.
- طاهری، سعید. (۱۴۰۲). نقش وحدت رویه در کاهش اطاله دادرسی. مجله حقوق قضایی نوین، شماره ۲۳.
- قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۱). تحلیل نارسایی‌های ساختاری نیابت‌های قضایی. فصلنامه عدالت کاربردی، شماره ۱۸.
- قربانی، علی. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی وحدت رویه در ایران و فرانسه. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۴.
- مهدوی، ناصر. (۱۴۰۰). نظام کارشناسی در دادرسی مدنی ایران. تهران: انتشارات میزان.
- یوسفی، علیرضا. (۱۴۰۱). تحلیل کیفیت اقدامات اداری در روند رسیدگی. فصلنامه دادرسی منصفانه، شماره ۳۲.
- حسینی، احمد؛ عبدخدانی، زهره و شریف‌خانی، محمد (۱۴۰۲). کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی، چالش شفافیت و راهکارهای آن. دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۲۸ (۱۰۱): ۶۷-۹۰.

## غیرفارسی

- Ass. Plén. (2006). Arrêt du 21 décembre 2006, n°05-14.173. *Cour de cassation, Bulletin des arrêts*, p. 409.
- Bundesministerium der Justiz. (2022). Geschäftszahlen 2022. Retrieved from [https://www.bundesjustizamt.de/SharedDocs/Downloads/DE/Bfj/Bfj\\_Geschäftszahlen\\_2022.pdf](https://www.bundesjustizamt.de/SharedDocs/Downloads/DE/Bfj/Bfj_Geschäftszahlen_2022.pdf).
- BGH (*Bundesgerichtshof*). (2020). Entscheidungen nach §31 GVG. Berlin: BGH.
- BMJ (*Bundesministerium der Justiz*). (2022). Deutsches Richtergesetz (DRiG). Berlin: BMJ.
- BMJ (*Bundesministerium der Justiz*). (2022). E-Akten-Gesetz – Einführung der elektronischen Akte in der Justiz. Berlin: BMJ.
- CEPEJ (*Commission Européenne pour l'Efficacité de la Justice*). (2020). Efficiency of Justice Systems in Europe: Analytical Report. Strasbourg: Council of Europe.
- *Cour de cassation*. (2019). Jurisprudence consolidée et décisions majeures. Paris: Cour de cassation. p. 44.
- *Cour de cassation*. (2021). Jurisprudence consolidée et JuriCa. Paris: Cour de cassation. p. 22.
- CSP (*Court Statistics Project*). (2021). Annual Judicial Efficiency Trends in U.S. State

Courts. National Center for State Courts.

- Federal Judges Act (Deutsches Richtergesetz – DRiG), §26, as amended through 2020. Retrieved from [https://www.gesetze-im-internet.de/drig/\\_\\_\\_26.html](https://www.gesetze-im-internet.de/drig/___26.html)
- ECtHR (*European Court of Human Rights*). (2004). Judgment in Case of XYZ v. State. Strasbourg: ECtHR. p. 14.
- Gallas, Tobias. (2018). *Judicial Accountability and Court Efficiency in Civil Law Systems*. Heidelberg: Springer. p. 78.
- Merryman, J. H., & Pérez-Perdomo, R. (2007). *The Civil Law Tradition* (3rd ed.). Stanford University Press.
- Ministère de la Justice. (2021). *Plan Bien-être Judiciaire*. Paris: Justice.gouv.fr. p. 19.
- Ministère de la Justice. (2021). *Présentation du système Portalis et de la réforme des services judiciaires*. Paris: Direction des Services Judiciaires. p. 23.
- Ministère de la Justice. (2022). *Présentation du système CASSIOPÉE et de son rôle dans l'efficacité judiciaire*. Paris: Direction des Services Judiciaires. pp. 11, 13, 15, 17, 21.
- OECD. (2021). *Justice Performance Indicators and Reforms*. Paris: OECD Publishing. p. 45.
- Zweigert, K., & Kötz, H. (1998). *An Introduction to Comparative Law* (3rd ed.). Oxford University Press.
- *Zivilprozessordnung (ZPO)*. (n.d.). *Zivilprozessordnung – German Code of Civil Procedure*. §403.